

درس دوم

شناخت خدا

(من قادر مطلق هستم و دیگری نیست ؛ خدا هستم و نظیر من نیست .)

« اشعیا ۹:۴۶ »

کتاب مقدس صدای خدائی متعال را اعلان می نماید ،
او که عالی و بلند است و ساکن در ابدیت می باشد

« اشعیا ۱۵:۵۷ »

صرفنظر از هستی مطلق اسرار آمیزش او خود را بعنوان خدای زنده معرفی میکند .

« مزمور ۲:۴۲؛ ۲:۸۴؛ ۶:۲۰؛ دانیال ۶:۲۰؛ اول تیموتائوس ۱۰:۴ ، ۱۷:۶ ؛ عبرانیان ۱۴:۹ ، ۳۱:۱۰ . »

عظمت او را تفتیش نتوان کرد . « مزمور ۲:۱۴۵ »

بزرگی او این چنین است که [در او زندگی ، حرکت و هستی داریم] .

« اعمال ۲۸:۱۷ »

مکرراً این بانگ بر می آید که ، خدایا مانند تو کیست ؟

« مزمور ۷۱ : ۱۹ ؛ ۸۹ : ۸ ؛ ۱۱۲ : ۵ »

همیشه باید پاسخ بیاید : کسی مثل تو نیست .

تصویرهای عمومی درباره خدا

اسم خدا همیشه بر سر زبانها بوده است. کسانی بوده‌اند که وجود او را انکار کرده‌اند، کسانی که عادت کرده‌اند، از او به بدی یاد کنند و آنهایی که از راستی منحرف شده و هستی او را بد ارانه داده‌اند. انکار کنندگان خدا بر این گواهند که خدایی نیست و حتی می‌توانند این را به اثبات برسانند.

[اگنوستیکسها *] بر این اعتقادند که شناختن هستی او غیر ممکنست و منتهای کوششان این است. که میلیونها انسان را رهبری کنند تا در اعلام جهل به آنها به پیوندند.

[وحدت وجودیها *] بر این اعتقادند که خدا بیشتر طبیعت است، به خودی خود خلق شده است، و اینکه انسان جزئی از آنست.

[چندین خداییها *] میگویند: خدا واحد نیست بلکه خدایان بی شماری هستند. گروهشان شامل هر گونه از کفار قدیم تا مورمونهای * امروزی است.

عقاید مختلف دیگر بعداً ذکر شده است. آورده‌اند که هرچیز خداست، حتی من و شما، یا اینکه خدا اصل است. یک قانون و یا نیروی غیر بشری است. آورده‌اند که خدا بیشتر زاییده فکر انسان است، یک تکیه‌گاه روان یا یک اختلال روانی (ترسی نامعقول) است. انسان ایده‌آلها یا تصورات ساخته و پرداخته‌اش را به شکل خدایان نشان داده است.

« اعمال ۱۹: ۲۲-۲۸ »

اگر چه در کتاب مقدس چنین روشی ممنوع شده است. «خروج ۲۰: ۵-۴»
و بارها انسان خود را خدایان خوانده و از دیگران انتظار پرستش داشتند. بعضی فکر

اثبات خدا بر خودش

کتاب مقدس کوششی در اثبات وجود خدا نکرده است. گویی این دانش در هستی و وجدان هر انسان آمیخته شده است.

احمق در دل خود میگوید که خدایی نیست.

« مزامیر ۱:۱۴ ، ۱:۵۲ »

همه فکرهای او (شریر) اینست که خدایی نیست .

« مزامیر ۴:۱۰ »

در باستانشناسی به مدرک پرستش خدا ، به عنوان يك دليل بر وجود انسان شناخته شده است . هیچ مستبدي حتی با سخت گیریهای شدید نتوانسته اعتقاد به خدا را از اذهان عمومی بزدايد. انسان ، در قسمت اعظم تاریخ ، عاجزانه در دل خود وجود خدایی را باور کرد که پاسخگوی اوست . این شناخت ریشه احساس مسئولیت وی میباشد .

[چونکه آنچه از خدا میتوان شناخت در ایشان ظاهر است . زیرا

خدا آنرا بر ایشان ظاهر کرده است. زیرا که چیزهای نادیده او یعنی

قوت سرمدی و الوهیتش از حین آفرینش عالم به وسیله کارهای او

فهمیده و دیده میشود تا ایشان را عذری نباشد .]

« رومیان ۱:۱۹-۲۰ »

اعتقاد راسخ به وجود خدا خیلی بیشتر از آن شد که انسان شروع به گرد آوری مباحث رد یا پذیرش این اعتقاد کرد. حکام وقت ، قشر تحصیلکرده و رسانه‌های گروهی جهت سرکوبی این اعتقاد آنرا مورد حملات پی در پی قرار دادند. آشکار هم هست ، همانطور که غرور، خودبینی خردمندانه، شرارت و تباهی جامعه رشد میکند، به همان ترتیب درباره هستی خدا هم

سؤال پیش می آید.

برخی می‌پرسند:

ما چرا باید به خدا اعتقاد داشته باشیم؟

می‌توانیم برای هر چیز بر اساس طبیعت یا تکامل، توضیحی بیابیم.

کسانی که خود را داناتر از ایمانداران به خدا می‌دانند، این به اصطلاح روشنفکران،

باید چنین نکاتی را در نظر داشته باشند.

۱- هیچ چیز به خودی خود پدید نیامد. هیچ اثر علمی هنوز نتوانسته است ثابت کند که چیزی

از نیستی پدیدار شده باشد. در واقع، هیچ چیزی از هیچ چیز ساخته نشده است.

کتاب مقدس می‌فرماید:

[زیرا هر خانه ای بدست کسی بنا میشود، لیکن بانی همه خداست]

" عبرانیان ۴:۲ "

۲- هر عمارت که با مهارت ساخته شده است طراح یا سازنده ای دارد. هر دستگاه اصلی یک

انسان، مثل مغز یا چشم، خیلی پیچیده تر از یک کامپیوتر یا یک ساعت است. هیچ

کس باور نمی‌کرد، بعدها چنین اختراعاتی اتفاقی بوجود بیاید.

دیدگاه کتاب مقدس نسبت به خدا

۱ - یک خدا هست. عهدعتیق و عهدجدید هر دو متفق القولند، در اینکه

مرقس ۱۲ - ۳۹

تنها یک خدا هست. " تثویه ۶ : ۴ ؛ اشعیاء ۴۵ : ۵ ؛ ۱ تیموتائوس ۲ : ۵ " درین پیهود و

اسلام در این مورد بخصوص با ایمان مسیحیون هم عقیده‌اند. انسان اغلب از

سایر خدایان صحبت میکنند. " ۱ قرنیتیان ۸ : ۶ - ۵ " و گاهی کتاب مقدس کلمه را به

مفهوم مجازی بکار گرفته است. " خروج ۷ : ۱ * [خدا مقامی والا تر از خدایان مورد

اعتقاد و احترام فرعون (خدایانی چون نیل و..... جادوگران و...) به موسا عطا فرمود.] و

" مزامیر ۶:۸۲ " ولی تنها یک خدای حقیقی وجود دارد.

۲ - وجود خدا در سه شخصیت. خدا بیشتر از آنکه خدای یگانه و ساده‌ای باشد، خدای چند گونه است. او در ذات خود یگانه است ولی در کتاب مقدس به دلیل تفاوت شخصیت از او بعنوان هستی مفرد یاد نشده است. یکی از اسامی خدا در عهد عتیق "ألوهیم*" است که حدود ۲۶۰۰ بار استفاده شده است. این کلمه "ألوهیم" جمع ، ولی با افعال مفرد صرف شده است. "تثنیه ۶ : ۴" و "در یهودیت اثباتی سنتی برای یگانگی خداست. [خداوند خدای ما خدایی واحد است.] در نسخه اصلی این آیه از واژه "ألوهیم" استفاده شده است. در ادامه خاطر نشان خواهد شد که خدا اغلب از خود حتی در عهدعتیق با ضمائر جمع <ما ، به ما ، از ما ، ما را > صحبت کرده است. "تثنیه ۱ : ۲۶ ؛ ۲ : ۲۲" هیچیک از پادشاهان [در کتاب مقدس] از خود اینچنین یاد نکرده‌اند. در قسمتهایی از کتاب مقدس مشاهده میشود که کلمه "خدا" و "خدا" متفاوت است . " کتاب مزامیر ۴۵ : ۷ - ۶ مقایسه شود با عبرانیان ۱ : ۸ " یا (خداوند به خداوند من گفت) مزامیر ۱۱۰ : ۱ ، مقایسه شود با متی ۲۲ : ۴۶ - ۴۲ . کاملترین مکاشفه از وجود پدر ، پسر و روح القدس در عهد جدید به ما داده شده است. هر يك از این سه شخصیت به وضوح خدا هست در حا لیکه در عهد جدید آشکارا بیان می‌کند که خدا واحد است.

الف : " پدر خدا است. " ۱ تسالونیکیان ۱ : ۱ ؛ ۲ پطرس ۱ : ۱۷

ب : " روح القدس خدا است. " اعمال رسولان ۵ : ۲ - ۴ ؛ ۲ قرنتیان ۳ : ۱۷

ج : " پسر خدا است. " یوحنا ۱ : ۱ - ۱۴ ، ۲۰ : ۲۶ - ۲۸ ؛

اعمال رسولان ۲۰ : ۲۸ ؛ تیطس ۲ : ۱۲ ؛

۱ تیموتائوس ۳ : ۱۶ ؛ عبرانیان ۱ : ۸ ؛

۱ یوحنا ۵ : ۲۰ ؛ رومیان ۹ : ۵ ؛

مکاشفه ۱ : ۸ ، ۱۷ - ۱۸ ؛ کولسیان ۲ : ۸ - ۹ .

• تمامی صفات خدا به یکدیگر نسبت داده شده است. پدر، پسر و روح القدس از یکدیگر مجزا هستند و در عین حال با پیوندی خدایی، با هم يك هستند.

« ۱ پطرس ۱ : ۲ ؛ یهودا ۲۰ - ۲۱ »

اسامی آنها در هر تعمید با هم بکار برده می شود « متی ۲۸ : ۱۹ » و در دعای برکت رسولان « ۲ قرنیتیان ۱۴ : ۱۴ ». در تعمید عیسا هم میتوان این را مشاهده کرد « متی ۲ : ۱۶ - ۱۷ »، و در سخنرانی در « یوحنا ۱۴ : ۱۶ - ۲۰ ؛ ۱۵ ؛ ۲۶ ؛ ۱۶ : ۷ - ۱۶ ». یگانگی همچنین در « یوحنا ۱۴ : ۹ ؛ ۱۷ : ۲۲ » ذکر شده است. اینها شخصیت‌های الوهیت هستند. با وجود آنکه آنها آنچه از تعریف شخصیت میدانیم متفاوتند.

آنها نه سه خدای مجزا هستند و نه خدایی سه سر. در ذات يك خدا هستند. واژه تثلیث یا سه گانگی با وجود اینکه در کتاب مقدس نیست، برای راحتی توصیف الوهیت بکار برده می شود. همین امر در بیان تثلیث اقدس نیز صحت دارد. در این مقام معیاری برای مقایسه در دست نیست. زبان انسان از بیان این حقیقت قاصر است.

کتاب مقدس آنرا توصیف نکرده است. تنها می توانیم عبارت کتاب مقدس را بپذیریم و موقتاً به همان حال وابگذاریم.

۲ - خدا روح است. « یوحنا ۴:۲۴ ». او می تواند جسم انسانی در بر بگیرد و یا در صدایی شنیده شود. ممکنست او خود را در واقعه ای طبیعی مثل رعد و برق آشکار کند. با این وجود، موجودی روحانی و نادیدنی است که در محدوده مکان و زمان و ماده نیست.

۴ - خدا شخصیت دارد. او فقط يك اساس یا اعتقاد نیست. چنین مشخصات

فردی مثل دانش « یوحنا ۲:۲۰ » ،

احساسات و عواطف « پیدایش ۶:۶ » ،

و اراده یا قدرت تصمیم گیری « یعقوب ۱:۱۸ » ،

بوی نسبت داده شده است. او محبت و خشم خود را آشکار می سازد. او بیاد می آورد و

یا ترحم می دهد فراموش کند.

فرامین از او صادر می‌گردد و آینده را اعلان می‌نماید. او دستگاهی خودکار نیست. بزرگترین تسلی ایمانداران در اینستکه میدانند خدا محبت است. "۱ یوحنا ۴:۸-۱۶". هیچ اساس یا قدرت فردی قادر به داوری این عبارت نمی‌باشد، و تمامی اندیشه خود را بوی واگذارید زیرا که او برای شما فکر میکند. "۱ پطرس ۵:۷"

کلمه خدا مظهر نیکی است، بواقع هم او نیکو است. او " خداوند" هم خطاب میشود. قادر مطلق؛ خالق؛ منجی؛ رهاننده و بسیاری صفات دیگر بوی اطلاق میگردد.

اسم " **یهوه** " از " **JHVH** " گرفته شده است.

[اسمی چهار حرفی برای " نام " خدایی در عهد عتیق] هیچوقت تلفظ نشده است و تمام هجایا تلفظ آن حدسی میباشد. هیچکس با موازین کتاب مقدس نمی‌تواند بگوید که لغتی تنها اسم قابل قبول برای خدا باشد. کافی است که خدای کتاب مقدس را شناخته باشیم. او را که می‌فرماید، پسر او عیسی‌ای مسیح را بشناسیم. او تنها راه رسیدن به خداست.

" یوحنا ۱۴ : ۶ "



Agnostics
Pantheists
Polytheists

Mormons = علاوه بر کتابمقدس، به کتاب مورمون نوشته ژوزف اسمیت آمریکایی اعتقاد دارند.

الوهینم = واژه‌ایست عبری که در زبان فارسی یهوه یا خداوند ترجمه شده.

سوالات درس دوم

مرد خدا

بسیار اهمیت دارد که بدانیم به چه کسی ایمان داریم؟

به چه کسی یا چه چیزی شباهت دارد؟

آیا پیش فرضهایی اشتباه از او دارید؟

ا - خدا است. (یکی از پاسخهای زیر را برگزینید)

الف: يك عقیده

ب : يك نیرو

ج : يك انسان

د : يك روح

۲ - کدامیک از پاسخهای ذیل بیشتر بیانگر تصوّر شما از خداست ؟

الف : پلیس

ب : مدیر

ج : پدر جسمانی

د : يك دستگاه

ه : هیچکدام

۳ - به کسی که از خدا هیچ نمیداند، چگونه او را معرفی می نمائید؟

۴ - آیا کتاب مقدس کوششی برای اثبات وجود خدا دارد یا فرض کتاب مقدس بر وجود

خدا روشن است ؟ " پیدایش ۱:۱ "

چطور يك فرد بدون داشتن کتاب مقدس می داند که خدایی هست ؟

" مزامیرداؤد ۱۹:۱-۴ ؛ رومیان ۱:۱۹-۲۰ "

چرا به وجود خدا معتقدید ؟

۵ - کتاب مقدس تعلیم می دهد که؟

الف : خدا واحد است.

ب : خدا سه گانه است.

ج : خدایان متعددی هستند.

د : همگی به یک خدا معتقدیم.

۶ - برخورد کتاب مقدس با دیگر " خدایان " مورد پرستش انسان چگونه است

" ۱ قرنتیان ۸: ۵-۶ " ؟

شرح دهید.

۷ - مطالب ذیل را چگونه برای کسی توضیح می دهید :

[پدر خداست. پسر خداست. روح القدس خداست .] = [خدا واحد است .]

۸ - خدا روح است، بدین معنی که

الف : قادر به شناخت او نیستیم.

ب : دیده نمی شود.

ج : نمی تواند خود را قابل رویت و آشکار کند.

د : شخصی نیست.

۹ - نظر شما چیست ؟
